

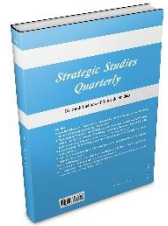


دائرة علوم استراتيجيات و تدوير
پروژه توسعه مطالعات استراتژیک
Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 05 Sep 2023
Accepted 01 Jan 2024
Published online 13 Feb 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 26, Issue 4, pp 85-102



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Contextual Factors and Causes of Prolonged Ethnic Conflicts: A Case Study of the PKK in Turkey

Mohammad Ali Qasemi Torki

Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

* Corresponding author email address: M.qasemi@basu.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Qasemi Torki, M. A. (2024). Contextual Factors and Causes of Prolonged Ethnic Conflicts: A Case Study of the PKK in Turkey. *Strategic Studies Quarterly*, 26(4), 85-102. Doi: [10.22034/SRQ.2024.428967.4118](https://doi.org/10.22034/SRQ.2024.428967.4118)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Protracted or intractable ethnic conflicts are a type of clashes that, despite fluctuating levels of violence, seem to have no foreseeable resolution. An example of such a conflict is the PKK (Kurdistan Workers' Party) crisis in Turkey. Despite its four-decade history and significant political and social impacts on the country, there appears to be no clear end in sight. The persistence of these conflicts not only jeopardizes the security of the conflict-ridden nation but also has a ripple effect on neighboring countries, draining their resources and hindering their development and prosperity. This paper aims to comprehend these enduring ethnic conflicts and analyze the factors and causes influencing them, using the PKK as a case study.

Methodology

When it comes to the causes of ethnic conflicts, there are numerous theories and models, but their universality and comprehensiveness are often questioned. For instance, Ted Robert Gurr proposed four categories: salience for ethnocultural identity, incentives for action, dynamics for protracted conflicts, and capacity for action, each with its own facets and dimensions. Another scholar, Stuart J. Kaufman, believes that the outbidding of ethnic elites and their manipulation of ethnic symbols play a significant role in inciting hostility against the government or other ethnic groups. Shiping Tang, on the other hand, considers the four master drivers: emotion, interest, capability, and opportunity. As for the prolongation of conflicts, James Samuel Coleman identifies four dimensions: the context of the conflict, the issues at stake, the relations among ethnic groups, and the processes, outcomes, and consequences of the conflict.

This paper proposes a model based on the philosophical principle that “the persistence of an effect is contingent on the persistence of its cause”. According to this model, the perpetuation of dissatisfaction or the emergence of new dissatisfaction (either through the ongoing framing of contentious issues or their reframing) results in the perpetuation of the cycle of violence and revenge. This situation is further exacerbated by the enduring presence of international supporters or the emergence of new backers. Concurrently, these conditions solidify the geopolitical factors that have played a role in initiating and perpetuating ethnic conflicts.

Result and discussion

The PKK emerged during the radical period of the 1970s in Turkey. This group highlighted the need to secure the national and ethnic rights of the Kurds, in addition to addressing the underdevelopment of Kurdish regions. The initiation of armed conflict by this group provoked a strong governmental response, leading to forced displacement, the declaration of a state of emergency, and an escalation in violence. Consequently, a broader segment of Kurdish society was drawn into the conflict.

Despite the fulfillment of some Kurdish demands during Erdogan’s tenure, particularly in the early years, the PKK and affiliated groups introduced new demands and a fresh framework of issues and conflicts. This group maintains its financial resources by engaging in smuggling and a variety of illicit activities. It has gained international supporters, in part due to the rise of ISIS and the need for extra-regional powers to leverage the PKK forces in combating it. By establishing a monopoly over Kurdish representation and eliminating potential competitors, the group has managed to maintain its position in the political landscape of Kurdish society and Turkey. Meanwhile, the geopolitics of the Kurdish regions remain relatively unchanged. On the other hand, the limited control exerted by Turkey’s neighbors over the country’s southern borders has not impeded border crossings, thereby reducing the effectiveness of the Turkish forces’ military pursuit of the PKK group.

Keywords: *Ethnic nationalism, Kurds, Türkiye, ethnic conflict, prolongation of conflicts.*



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۴۰۲

اصلاح شده در تاریخ ۱۹ آذر ۱۴۰۲

پذیرفته شده در تاریخ ۱۱ دی ۱۴۰۲

منتشر شده در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۱۰۲، صفحه ۸۵-۱۰۲



شاپای چاپی: ۰۷۲۷-۱۷۳۵

شاپای الکترونیکی: X-۹۱۰-۲۹۸۰

زمینه‌ها و علل تطویل منازعات قومی: بررسی موردی مسئله کرد در ترکیه

محمد علی قاسمی ترکی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: M.qasemi@basu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

قاسمی ترکی، محمد علی. (۱۴۰۲).

زمینه‌ها و علل تطویل منازعات قومی:

بررسی موردی مسئله کرد در ترکیه.

فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۶(۴)، ۸۵-

۱۰۲. Doi:

10.22034/SRQ.2024.428967.4118

برخی منازعات قومی به‌رغم فرازونشیب‌های طولانی‌مدت تداوم می‌یابد و با عدم غلبه یک طرف بر دیگری یا نرسیدن به توافق، به نظر لاینحل می‌رسند. ظاهراً منازعه قومی کردی/ پ‌ک‌ک در ترکیه از این نمونه‌هاست. در این مقاله پس از بررسی نظریات مهم توضیح‌دهنده بروز منازعات قومی و نظریه تطویل پیتر کلمن، مدل ساده‌ای طرح می‌شود که بیان می‌کند چگونه نارضایتی‌های ناشی از زمینه‌های داخلی می‌تواند توسط نخبگان قومی، چارچوب‌بندی شده و ابراز گردد. در ادامه با مطالعه موردی پ‌ک‌ک استدلال می‌شود که این گروه از داخل جریان‌های چپ ترکیه سربرآورده و در مطالبات خویش، علاوه بر عقب‌ماندگی، حقوق قومی/ ملی و استقلال کردستان را نیز مطرح می‌ساخت. در عمل، مباررات مسلحانه در مناطق جنوب شرق ترکیه، خونریزی و خشم، تخلیه هزاران روستا و انتقال اهالی به شهرهای بزرگ، برقراری حالت فوق‌العاده و تشکیل مارپیچ خشونت را موجب شد. به‌رغم پاسخگویی به اغلب مطالبات و رفع محدودیت‌های حکومت کودتاگران و حالت فوق‌العاده، پ‌ک‌ک و اوج‌آلان و احزاب سیاسی مرتبط، مطالبات جدیدتری را مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد که در کنار حمایت خارجی، سازماندهی و روش‌های جدید تأمین مالی پ‌ک‌ک، موقعیت ژئوپلیتیک مناطق کردنشین، امکان تعقیب جدی افراد مسلح و تصرف کمپ‌های آنها را دشوار ساخته و مرزهای نفوذپذیر عراق و سوریه و فروپاشی نسبی دولت در این کشورها، چشم‌انداز ختم منازعه دولت ترکیه و پ‌ک‌ک را مبهم ساخته است.

کلیدواژگان: ناسیونالیسم قومی، کردها، ترکیه، منازعه قومی، تطویل منازعات.



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله

متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله

به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی

(CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

منازعات قومی یکی از شایع‌ترین اشکال مناقشات طی نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم بوده و محققان بسیاری در آن زمینه به تحقیق و ارائه نظر پرداخته‌اند؛ در خصوص علل وقوع منازعات قومی دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است (Tang 2015; Gurr 2002; Kufman 2001; Collins 2008, 2012) و مناقشات علمی و آکادمیک نیز در این زمینه ادامه دارد. در این میان، نوع خاصی از منازعات قومی که از آنها به عنوان مناقشات لاینحل یا مناقشات تطویل یافته^۱ یاد می‌شود، توجه کمتری را برانگیخته‌اند. در این نوع از منازعات، که به ظاهر پایانی برای‌شان متصور نیست، به‌رغم کاهش و افزایش متناوب دامنه خشونت‌ها، بحران و منازعه بدون خاتمه و چشم‌اندازی برای پایان ادامه می‌یابد. بدیهی است که تداوم بحران‌های قومی، منازعات خشونت‌بار، آثار زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای هر کشور و همسایگان آن را در پی دارد. به‌ویژه آنکه منازعات قومی تمایل به سرریز شدن^۲ به مناطق همجوار دارند. از طرف دیگر، بحران کردی یا منازعه پ‌ک‌ک و دولت ترکیه، با بیش از ۴۰ سال سابقه، دست‌کم در حال حاضر چشم‌انداز حل‌وفصل روشنی ندارد و همین امر نه فقط برای اوضاع داخلی ترکیه و روابط این کشور با همسایگانش که بر امنیت ملی همسایگان ترکیه نیز تأثیرات بارزی دارد. در این مقاله تلاش می‌شود تا ابتدا ادبیات مربوط به آغاز منازعات قومی و تطویل منازعات بررسی شده و سپس مدلی بر مبنای آنها مطرح شود که بتواند توضیح‌دهنده علت تطویل بحران پ‌ک‌ک در ترکیه باشد. در ادامه، تلاش می‌شود نشان داده شود که مدل مزبور چگونه به فهم علل تطویل بحران کردی در ترکیه کمک می‌کند. در همین جا اشاره می‌شود که از تعبیر «بحران/ منازعه/ مناقشه پ‌ک‌ک» و «بحران/ منازعه/ مناقشه کردی در ترکیه» معنایی تقریباً یکسان مراد می‌شود. دلایل این یکسانی در متن مقاله روشن خواهد شد.

الف) منازعات قومی: چرایی آغاز

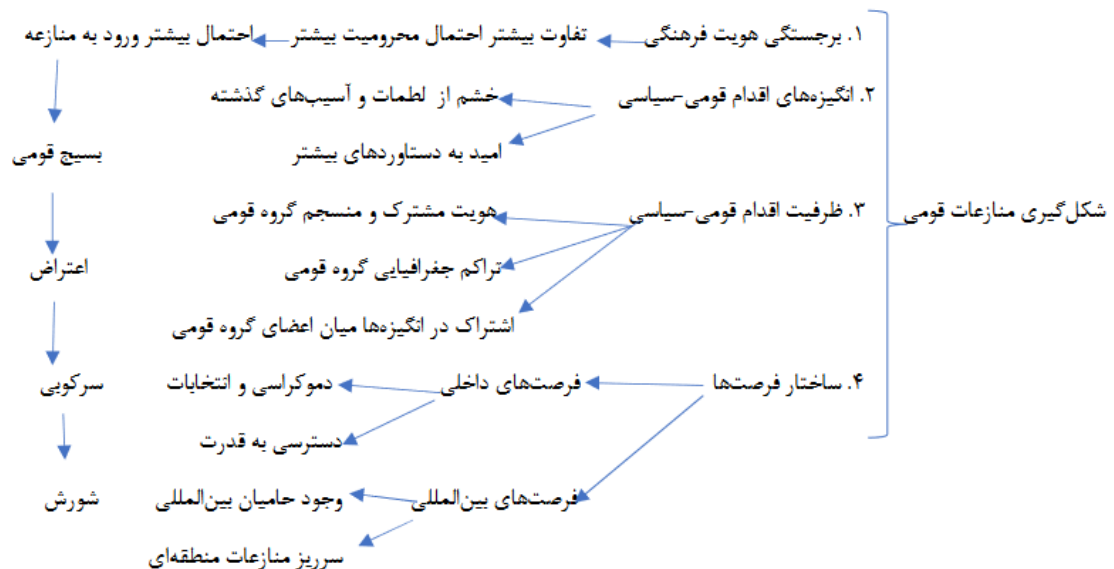
درباره آغاز منازعات قومی تئوری‌های متعددی مطرح شده است؛ برخی محققین مدعی شده‌اند که در این حوزه تئوری کلی و عمومی وجود ندارد (Tang, 2015: 256) و حتی برخی ادعا کرده‌اند که امکان طرح چنین نظریه‌ای هم وجود ندارد (Brubaker & Laitin: 1998). از آنجا که امکان بررسی همه یا اکثریت این نظریات وجود ندارد، چند دیدگاه مهم با تفصیل بیشتری مرور خواهد شد.

تد رابرت گر از محققانی است که طی چندین دهه به بررسی منازعات و به‌ویژه منازعات قومی پرداخته و نظریه معروف خویش را در کتاب *چرا انسانها شورش می‌کنند؟* با تعدیلات و تغییراتی به حوزه منازعات قومی تسری داده است. گر در مهم‌ترین و آخرین اثرش در این زمینه، معتقد است که چهار دسته عامل در شکل‌گیری و فعال‌شدن هویت قومی مؤثر است؛ برجسته‌شدن و اهمیت‌یافتن هویت فرهنگی، انگیزه‌های اقدام قومی - سیاسی، ظرفیت اقدام قومی - سیاسی و ساختار فرصت‌ها (Gurr, 2002: 70). البته رابرت گر تأکید دارد که هر یک از این فاکتورها، دارای وجوه و ابعادی هستند. مثلاً به زعم وی، هرچه تفاوت هویت قومی یک گروه با اکثریت حاکم بر جامعه زیادتر باشد و گروه به سبب تفاوت در هویت خویش، در معرض محرومیت و نابرابری قرار گیرد، امکان ورود به منازعه بیشتر می‌شود. ورود به منازعه خود باعث تمایز و برجستگی هویت قومی می‌شود. در فاکتور انگیزه‌های اقدام، خشم از لطمات و آسیب‌های سابق و ترس از زیان‌ها و آسیب‌های آتی و امید به کسب دستاوردها مهم است و اینها هرچه برجسته‌تر باشند، انگیزه قوی‌تری ایجاد می‌کنند. در موضوع ظرفیت، عواملی چون هویت مشترک و انسجام، تراکم جغرافیایی، اشتراک انگیزه‌ها و وجود نهادهای قومی مورد توجه است. ساختار فرصت‌ها، به نظر رابرت گر، از فرصت‌های

1. protracted or intractable conflicts

2. spillover

داخلی (دسترسی به قدرت سیاسی، دموکراسی) و فرصت‌های بین‌المللی (نظیر وجود حامیان بین‌المللی، سرریز منازعات منطقه‌ای) تشکیل می‌شود. به زعم گر، تبعیض‌هایی که گروه‌های قومی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تجربه می‌کنند، آنها را به سمت نارضایتی و طرح مطالباتی پیش می‌برد که در صورت نیافتن پاسخ مناسب، مطالبات اعتراضی و متعارف‌شان به سمت منازعات یعنی مطالبه‌گری غیرمترعارف (شورش) پیش خواهد رفت. اشکال مدل گر در این جاست که مجموعه‌ای از عوامل و فاکتورها را مطرح می‌کند، بی‌آنکه به صورت منسجم و سیستماتیک بیان کند که هر فاکتوری چه وزن و اهمیتی دارد و چگونه منجر به بروز منازعه می‌شود؟



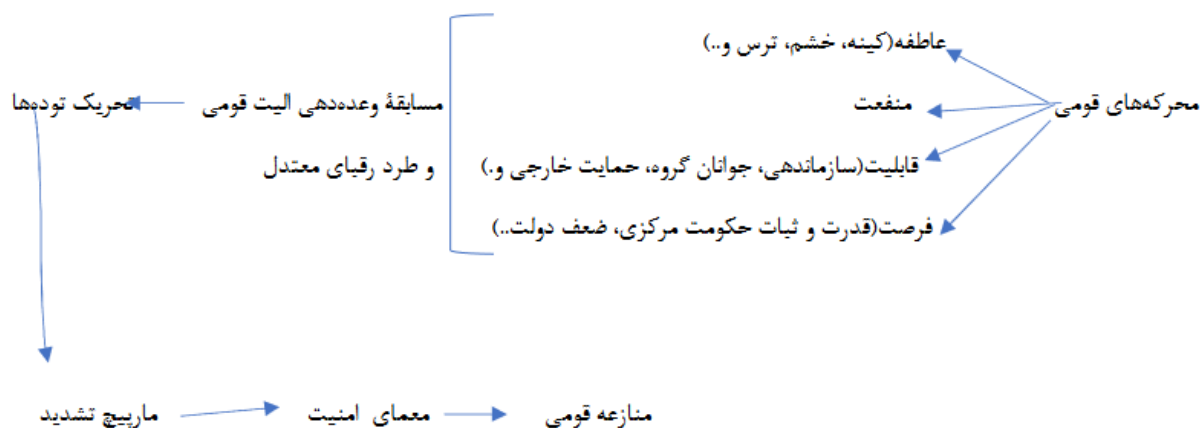
خلاصه مدل تد رابرت گر

کافمن (Kaufman, 2001) در نقد رویکردهای سابق، مفاهیمی چون خصومت دیرینه رهبران قومی و دستکاری الیت‌ها (مانیپولاسیون)، رقابت اقتصادی و مارپیچ ناامنی^۱ و همین‌طور تئوری‌های انتخاب عقلانی و روانی را در توجیه آغاز و تداوم منازعات قومی، ناکافی می‌داند. به زعم وی، در بروز منازعات قومی، دو عنصر بسیار مهم است: اولی مسابقه وعده‌دهی نخبگان قومی^۲ و دومی سمبل‌های قومی و دستکاری آنها. هنگامی که سیاست سمبولیسم قومی به نهایت می‌رسد و لیدرهای قومی از اسطوره‌ها و ترس‌های قومی برای تحریک خصومت قومی علیه اقوام دیگر یا دولت و ایجاد هراس استفاده می‌کنند و برای از میدان خارج کردن رقبای خویش (در داخل گروه قومی)، آنها را متهم و طرد می‌کنند، امکان بروز خشونت و درگیری با گروه‌های قومی دیگر و دولت مرکزی پدیدار می‌شود و در ناامنی بروز کرده، مارپیچ تشدید^۳ شکل می‌گیرد؛ ترس‌ها و اسطوره‌های مربوط به خصومت گروه‌های دیگر یا دولت، نمونه‌های عینی و زنده‌ای پیدا کرده و خود عامل تحریک جدیدی می‌شوند. کافمن با این مبنا چهار نوع ایدئال خشونت قومی را از هم تفکیک می‌کند که دو مورد آن برخاسته از توده مردم (شونویسم مردمی و شورش توده‌ای) و دو نوع دیگر تحت هدایت الیت‌های قومی/ دولتی است (جینگویسم حکومتی و توطئه نخبگان قومی).

1. insecurity Spiral

2. ethnic outbidding

3. escalating spiral



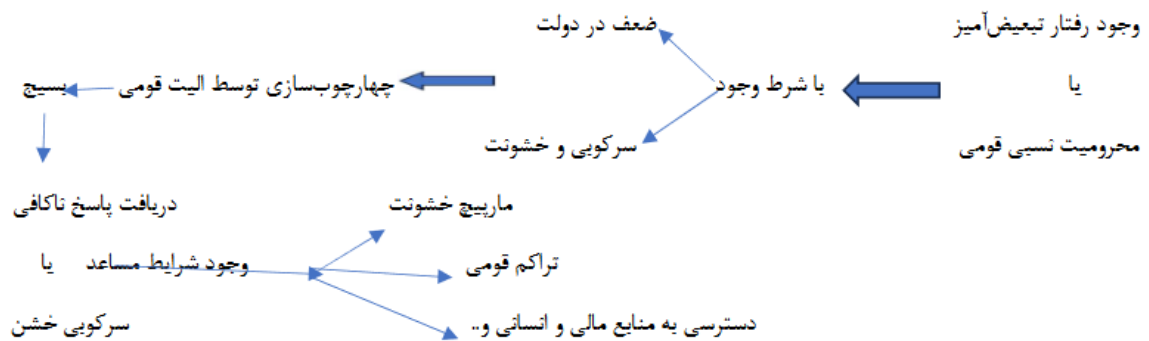
مدل تانگ برای توضیح آغاز منازعات قومی

تانگ در انتقاد از رویکرد کافمن مدعی است وی توجه نداشته که دستکاری/مانیپولاسیون نخبگان، برای هدایت و به حرکت درآوردن توده‌ها لازم است و توده‌ها بدون هدایت الیت دست به اقدام نمی‌زنند (Tang, 2015: 262). تانگ مدعی است که رویکردی جامع و کلی برای آغاز منازعات قومی مطرح می‌کند؛ وی یکدست نشان‌دادن گروه‌های قومی را اشتباه دانسته و دو عامل ماریج تشدید و معمای امنیت را دارای اهمیت محوری می‌داند. به زعم وی، توده‌ها و الیت‌ها در هر گروه قومی، یا نسبت به سایرین خصمانه عمل می‌کنند یا موضع معتدل دارند. به زعم تانگ چهار محرکه اصلی منازعه یعنی عاطفه، منفعت، قابلیت و فرصت، برای ایجاد مناقشه قومی از طریق دو مکانیسم ماریج تشدید و معمای امنیت وارد عمل می‌شوند و لذا در چارچوب وی فاکتورهای روانی و مادی به هم مرتبط شده‌اند. هر کدام از چهار محرکه اصلی در ذیل خود عناصری دارند؛ در ذیل عاطفه، احساس کینه و خشم و به‌ویژه ترس از قتل عام و سلطه؛ در ذیل فرصت، قدرت و ثبات حکومت مرکزی، بحران‌های اقتصادی، تضعیف دولت، تماس و انتشار منازعه از محیط‌های دیگر؛ و در مقوله قابلیت سازماندهی نظامی، تجربه جنگی، اندازه گروه، مردان جوان گروه، حمایت خارجی، فاصله مرکز حکومت با محل شورش، منابع قابل دسترس شورشیان، قابلیت تضعیف شده حکومت قرار دارند (Tang, 2015: 266). منازعه به این شکل آغاز می‌شود که نخبگان در درجه اول با انگیزه کسب قدرت، با مکانیسم‌های مسابقه و عده‌دهی و حذف فیزیکی یا طرد رقبا (سازش کار و.. خواندن آنها) و استفاده از رسانه‌ها، تبلیغات، ایجاد کینه، نسبت‌دادن مشکلات به دیگران، توسل به جنایات واقعی یا جعلی، اغراق در رفتارهای خصومت‌آمیز دیگران، سازماندهی انتقام‌جویی و تحریک، دست به بسیج توده‌های قومی می‌زنند (Tang, 2015: 273ff). با شروع پاسخ خشن یا سرکوبگرانه حکومت یا گروه‌های قومی دیگر، احساس ناامنی پدید می‌آید و درگیری‌های بیشتر بین طرفین، باعث شکل‌گیری و تعمیق خصومت‌ها و خشونت‌ها شده و ماریج و دور باطلی از خصومت‌ها و منازعه قومی پدید می‌آید.

در مجموع به نظر می‌رسد تانگ و گر بر فاکتورهای بسیار زیادی تأکید می‌گذارند که تبدیل آنها به یک مدل منسجم و جامع آسان نیست؛ ولی به صورت کلی می‌توان مدعی شد که وجود زمینه‌های داخلی مانند تضعیف یا فروپاشی دولت یا رفتار تبعیض‌آمیز مسئولین با گروه‌های قومی یا محرومیت نسبی گروه‌های قومی می‌تواند موجب نارضایتی و احساس ناامنی (در مواردی که خشونت عریان هم وجود دارد) شود و نخبگان قومی از این زمینه برای طرح مطالبات و چارچوب‌بندی¹ اوضاع وخیم فعلی استفاده کرده و دعوت به بسیج می‌کنند؛ در صورتی که گروه‌های معتدل پاسخ ناکافی برای مطالبات دریافت کنند و سرکوب شوند، به‌ویژه در صورت وجود شرایط مساعد (مانند موقعیت ژئوپلیتیک

¹. framing

یعنی وضع جغرافیایی محل اقامت گروه قومی، وجود حامیان خارجی و به‌ویژه در آن سوی مرزها) وضعیت به سمت منازعه قومی پیش خواهد رفت.



مدل ساده شده و پیشنهادی مقاله

(ب)

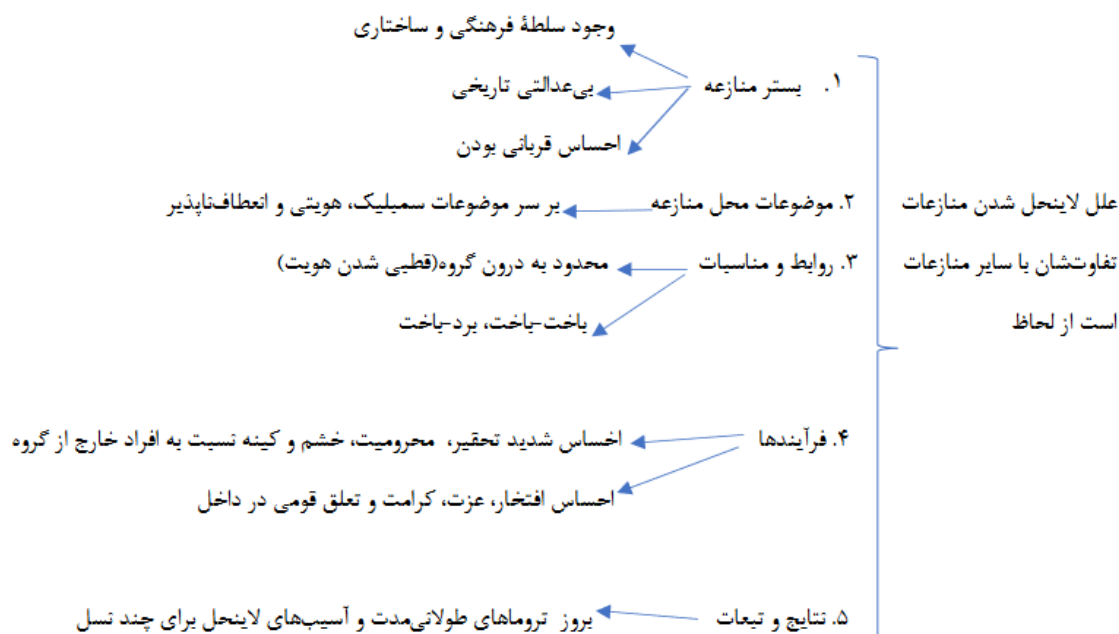
تطویل منازعات

در خصوص علل طولانی‌شدن و لاینحل به نظررسیدن برخی منازعات قومی، تحقیقات محدودی وجود دارد. پیتر کلمن و همکارانش در مجموعه‌ای از مقالات کوشیده‌اند (Coleman et al., 2007; Coleman et al., 2012; Coleman, 2003) از سیستم پیچیده منازعات لاینحل بحث کنند. کلمن در اصل روانشناس اجتماعی است اما به زعم وی، نظریاتش برای فهم سطوح مختلف اختلافات (از سطح فردی و بین افراد تا سطح قومی، ملی و بین‌المللی) قابل استفاده است. به‌زعم کلمن تفاوت‌های منازعات حل‌پذیر^۱ با منازعات لاینحل در پنج قلمرو قابل بحث است؛ از حیث بستر یا زمینه وقوع منازعات، موضوعات محل مناقشه، روابط و مناسبات، فرایندها و تبعات یا نتایج (Coleman, 2003: 9-10). از لحاظ بستر و زمینه منازعه، وجود سلطه فرهنگی، ساختاری و بی‌عدالتی تاریخی، خشونت، احساس قربانی‌بودن در منازعات لاینحل شدیدتر است و در آنها عدم توازن قدرت بالاست؛ گروه‌های مسلط خود را بر حق و برتر می‌نمایانند. کلمن، خشونت ساختاری گالتونگ را نوع نهادینه‌شده‌ای از همین نگرش خود می‌داند (Coleman, 2003: 12). تنازع قومی مزبور خود را در وضعیت‌های بی‌ثباتی و آنا‌رشی نمایان می‌کند. از حیث موضوعات، منازعات لاینحل بر سر موضوعات سمبولیک و معماهای پارادوکسیکال رخ می‌دهند؛ مانند حفظ تمامیت ارضی در مقابل حق تعیین سرنوشت که عدول از آنها برای هر یک از طرفین منازعات غیرقابل قبول به نظر می‌رسد. از آنجایی که در ادعاهای مزبور ساخت معنا و ادعای حقیقت مشاهده می‌شود، انعطاف‌پذیری بسیار اندکی بر سر آنها وجود دارد و برخلاف منازعات حل‌پذیر، موضوعات آنها ملموس و محسوس نیست؛ حتی زمین و امور مادی هم در گفتمان طرفین منازعه مقدس جلوه داده می‌شود (Coleman, 2003: 20). از لحاظ روابط، در این منازعات، مناسبات افراد محدود به داخل گروه قومی خودشان می‌شود و امکان خروج از نزاع دیده نمی‌شود؛ نوعی مناسبات باخت-باخت و برد-باخت به وجود می‌آید و لذا پتانسیل همکاری به صفر نزدیک می‌شود. بسط هویت‌های قطبی‌شده خودی و غیرخودی، با منافع گروه‌های داخل قومی و ایت‌ها هم‌گره می‌خورد؛ از لحاظ فرایندها، در این منازعات احساسات شدیدی از نوع تحقیر، محرومیت، خشم و کینه نسبت به

^۱. tractable

افراد خارج از قوم خود و احساس افتخار، عزت، کرامت و تعلق قومی وجود دارد و همین امر هم از علل بروز عکس‌العمل‌های شدید در این نوع منازعات است. به‌ویژه سابقه خشونت، قتل عام و نسل‌کشی این بُعد احساسی را فوق‌العاده تشدید و تعمیق کرده و بر پیچیدگی منازعات می‌افزاید. از حیث تبعات و نتایج، منازعات لاینحل باعث بروز تروماهای طولانی‌مدت برای افراد گروه می‌شوند (از دست دادن عزیزان، تجاوز، آسیب‌های جسمانی، مشکلات حاد سلامتی) امری که باعث تخریب روان افراد و مانع بازگشت به زندگی عادی شده و گاه نسل‌ها تداوم می‌یابد (Coleman, 2003: 25f-28f).

مدل کلمن در عین جامعیت قابل توجه به دو بُعد، که برای منازعات قومی اهمیت زیادی دارند، کمتر توجه کرده است؛ یکی ژئوپلیتیک و دومی بُعد چارچوب‌بندی. گرچه در مبحث موضوعات محل مناقشه، به چارچوب‌بندی اشاراتی داشته است، اما به نقش نخبگان توجه کمتری دارد. این امر احتمالاً از رویکرد روانشناسانه او ناشی شده است. در این نوشتار مراد از چارچوب‌بندی، معنادادن به حوادث و جریان‌های موجود در جامعه و فضای اجتماعی و سیاسی است.



مدل تطویل منازعات کلمن

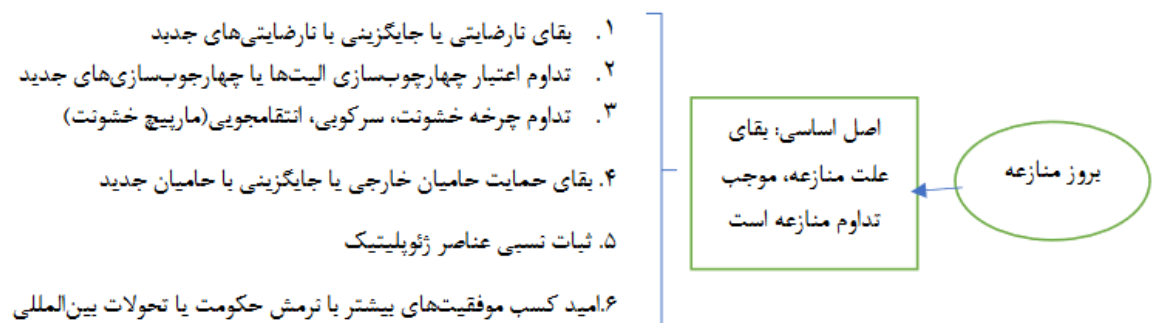
با توجه به نکات کلمن و همکارانش و عنایت به کاستی‌های مطرح‌شده، به نظر می‌رسد که بتوان مدل ساده زیر را برای تحلیل تطویل منازعات قومی مطرح ساخت؛ اصل مبنایی این قاعده فلسفی است که «بقای معلول به بقای علت بستگی دارد». به عبارت دیگر، اگر منازعه قومی به علت یا عللی بروز کرده است تا زمانی که آن علت/علل برجای مانده باشند و موانع کافی برای ممانعت از عملکرد آن وجود نداشته باشد، منازعه تداوم خواهد داشت. لذا می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. بقای نارضایتی‌ها یا جایگزین شدن آن با ناخشنودی‌های جدید، در صورت رفع برخی از موضوعات محل انتقاد، موجب بقای منازعه می‌شود؛

۲. تداوم چارچوب‌بندی از معضلات گروه قومی توسط نخبگان یا جایگزین شدن چارچوب‌بندی قدیمی با چارچوب‌بندی‌های جدید به‌ویژه در موضوعاتی که توافق و سازش بر سر آنها ممکن به نظر نمی‌رسد، موجب تطویل منازعه قومی می‌شود؛

۳. چرخه خشونت، موجب سرکوبی، خشم، کینه، انتقام‌جویی و خشونت جدید شده و می‌تواند منازعه را به ابعاد بین‌المللی منتقل کرده و چرخه‌های جدید خشونت و انتقام‌جویی را پدید آورد؛
۴. بقای حامیان یا جایگزین شدن حامیان جدید به جای حامیان سابق و همین‌طور بقای منابع درآمدی گروه‌های شورشی یا جایگزینی منابع جدید درآمدی به جای منابع قبلی، به بقای منازعه کمک می‌کند؛
۵. ثبات نسبی ژئوپلیتیک هر منطقه، از عوامل نسبتاً ثابت در بقای منازعات است؛
۶. کسب موفقیت‌های نسبی مانند مقبولیت بین‌المللی، گرفتن امتیازاتی از دولت مرکزی و... می‌تواند موجب امیدواری و انگیزه بیشتر برای تداوم منازعه شود.

حال اگر این مدل ساده، با طرح مقدماتی که در قسمت قبل مطرح شد، ترکیب شود، می‌توان گفت؛ اگر منازعه قومی موجودی، به گونه‌ای چارچوب‌بندی شود که گویی بر سر مسائل لاینحل است یا آنکه با حل‌وفصل مجموعه‌ای از مشکلات، معضلات جدیدی به چارچوب مزبور الحاق شود یا چرخه خشونت در منازعه موجب تروماها، خشم و کینه‌های جدیدی شود یا آنکه نارضایتی‌ها جواب وافی و کافی دریافت نکند و حامیان گروه در خارج به قوت خویش باقی بمانند یا جای خود را به حامیان جدیدی بدهند، منازعه تطویل یافته و طولانی خواهد شد و به چرخه و مارپیچی وارد خواهد شد که ظاهراً لاینحل است.



مدل پیشنهادی مقاله برای توضیح علل تطویل منازعات قومی

ج) پک‌ک و تطویل منازعه قومی در ترکیه

پک‌ک در اواخر دهه ۱۹۷۰ از درون جریان‌های چپ ترکیه سر برآورده است. به نظر برخی محققان، در واقع جریان‌های چپ‌گرای موجود در ترکیه، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که کردها بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دادند، بستری بودند که در آن جریان‌های کردی، سکولاریزه شوند (Yavuz, 2001: 2). هاکان یاووز، محقق مسائل ترکیه و استاد دانشگاه یوتا، چهار مرحله را برای تکوین و تحول ناسیونالیسم کردی در ترکیه در نظر می‌گیرد؛ در مرحله اول و در اوایل قرن نوزدهم حکومت عثمانی، متأثر از تحولات اروپا، ایجاد تمرکز و حکومت‌داری به جای ملک‌داری سنتی را برمی‌گزیند و استقلال داخلی امیرنشین‌های کرد تابع آل عثمان را لغو می‌کند. نتیجه آنکه خلأ حاصله از حکمرانی امرای محلی کرد را شیوخ طریقت‌های صوفیانه پر می‌کنند و همین شیوخ عامل قیام‌هایی می‌شوند که قیام شیخ عبیدالله شمزینی (و هجوم وی به مناطقی از شمال غرب ایران) از آن جمله است. مرحله دوم تأسیس جمهوری ترکیه و ورود مفاهیم غربی توسط کمال آتاتورک بود؛ در آن زمان نیروهای گریز از مرکز و مذهبی (همچون شیخ سعید پیران و کردهای شورشی آارات) با نفوذ و سیطره حکومت جدید سکولار به مخالفت

برخاستند. مرحله سوم سکولاریزاسیون جریان‌های کردی در فاصله ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۳ است. مرحله چهارم شورش خشونت‌آمیز پ‌ک‌ک (۱۹۸۴-۱۹۹۸) محسوب می‌شود؛ و مرحله پنجم با دستگیری عبدالله اوج‌آلان و آغاز فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا (با روی کارآمدن رجب طیب اردوغان) آغاز می‌شود. بدیهی است که تقسیم‌بندی یاووز باید مورد تجدید نظر قرار گیرد زیرا تحولات مهمی پس از آن مرحله رخ داده و از آن جمله فرایند شکست خورده صلح (۲۰۱۵-۲۰۱۳) و کم‌رنگ‌تر شدن افق پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا است. به هر حال تمرکز این نوشتار بر مراحل پس از آغاز شورش پ‌ک‌ک خواهد بود.

جریان‌های روشنفکری و چپ ترکیه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و سراسر دهه ۱۹۷۰ به نقد وضع سیاسی و اقتصادی این کشور، با حال و هوایی مشابه مباحث گروه‌های چپ در سایر کشورهای جهان سوم می‌پرداختند و در آن میان افرادی مانند هاکی کارر^۱ (۱۹۷۷-۱۹۵۰) ایده‌های جدیدی مطرح می‌کرد. به زعم کارر، رهایی جریان‌های چپ ترکیه از میراث کمالیسم ضرورت داشت (Jongerden & Akkaya, 2012; Casier & Jongerden, 2012: 5). تا قبل از این دوران، جریان‌های چپ، قیام و انقلاب‌های مصطفی کمال را حرکتی مثبت و درهم‌شکننده سنت‌های متصلب و جریان‌های ارتجاعی می‌دیدند. سعید قرمزی توپراک^۲ ملقب به دکتر شیوان (۱۹۷۱-۱۹۳۵) که پزشکی چپ‌گرا از خانواده‌ای زازا و علوی بود، با فاشیسم خواندن کمالیسم و مستعمره‌خواندن کردستان، راه را برای رادیکالیسم هموار کرد (برای نمونه ر.ک به مقاله مختصر وی در نشریه دجله - فرات ۱ دسامبر ۱۹۶۱)؛ ابراهیم کایپاک‌کایا، بنیانگذار حزب مارکسیست - لنینیست ترکیه، که از خانواده علوی و ترک برخاسته بود، ضمن فاشیست خواندن حکومت کمالیستی بر ضرورت پذیرش وجود مسئله ملی (کرد) در ترکیه تأکید گذاشت (Kaypakaya, 2021)؛ کشف فرانتس فانون نیز در این زمان برای گروه‌های چپ و به‌ویژه گروه‌های چپ‌گرای کرد، هیجان‌انگیز بود. به طوری که به نظر حمید بوزآرسلان، محقق مسائل کردی و ترکیه، پ‌ک‌ک بیشتر فانونیست بود تا مارکسیست - لنینیست (Bozarlan, 2012:13). تأکید فانون بر بازگشت به خویشتن انسان مستعمراتی و اینکه مبارزه قهرآمیز موجب آزادی است و بالاخص مقدمه سارتر بر کتاب *دوزخیان روی زمین فانون* در ترویج خشونت میان جریان‌های چپ‌گرای ترکیه و به‌ویژه کردها بسیار مؤثر تلقی شده است. این تعبیر سارتر «کشتن یک اروپایی با یک تیر دو نشان زدن است؛ انهدام توأم ستمگر و ستم‌دیده است؛ مردی مرده و انسانی به جای می‌ماند» (فانون، بی‌تا: ده)، ستایش قهر و خشونت بود. این اندیشه در تصور امکان‌ظهور انسانی نو از خاکستر آن قهر و خشم، تاکنون در تفکر پ‌ک‌ک پایدار مانده است.

د) شکل‌گیری منازعه قومی در ترکیه

محققان در خصوص تکوین منازعه کردی در ترکیه دیدگاه‌هایی چندی دارند، ولی تردیدی نیست که نقش عنصر چپ‌گرایی در آن قابل انکار نیست:

۱. **چپ‌گرایی و جنبش کردی:** جنب‌وجوش فکری مذکور در چپ ترکیه، در فضای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ می‌داد، یعنی دورانی که ایده‌های مارکسیستی و سوسیالیستی در جهان سوم و به‌ویژه در خاورمیانه شایع و مسلط بود. اوج‌آلان خود نیز به تأثیرپذیری از آن جو و فضا، معترف است (Ocalan, 2017: 30)، اما جذابیت افکار چپ در جامعه ترکیه و نزد نسل تحصیل‌کرده کردها، غیر از استقبال و رونق جهانی از این ایده‌ها، به اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی داخلی نیز ربط داشت. اوضاع اقتصادی ترکیه قابل قیاس با جوامع توسعه‌یافته نبود و به‌ویژه رشد سریع جمعیت، افزایش بیکاری (که اعزام کارگران به آلمان از تدابیر اندیشیده‌شده برای کاهش آن بود)، عوامل مهم نارضایتی بودند.

1. Haki Karer

2. Sait Kirmizitoprak

۲. **ایده استعماری داخلی و ظهور ناسیونالیسم کردی:** با آن که اوضاع اقتصادی نابسامان در سراسر ترکیه حکم فرما بود اما اوضاع مناطق کردنشین قدری متفاوت بود؛ عموم این نقاط در وضعیت فئودالی و سیطره «آقا»یان (سران قبایل) قرار داشتند. به عقیده اسماعیل بشیکچی، جامعه‌شناس ترک و محققانی که نظریه وی را بر استعمار داخلی منطبق می‌کنند (Tuğrul, 2022:7)، این وضعیت باعث می‌شد که کردها به عرضه‌کننده محصولات کشاورزی و مواد اولیه تبدیل شوند و در اثر نفوذ اقتصاد ملی به مناطق حاشیه‌ای، نوعی «تقسیم کار فرهنگی» به وجود بیاید. در نتیجه، کردها خود را در لایه‌های پایین‌تر اجتماعی می‌یافتند. از طرف دیگر، وابستگی اقتصادی حاشیه، باعث گندی رشد اقتصادی و لذا وفور کارگر ارزان می‌شد؛ امری که موجب می‌شد کارگران کرد به مناطق صنعتی‌تر غرب ترکیه مهاجرت کنند. برخورد با ترک‌ها و شکل‌گیری کلیشه‌های منفی و رفتارهای طردآمیز و تحقیرآمیز در قبال کردها، آنها را به نوعی بازگشت به هویت قومی و بیداری ناسیونالیسم کردی سوق داد (Tuğrul, 2022; Yarkin, 2022). در اینجا مجال نقد و بررسی ایده استعمار داخلی و انطباق یا عدم انطباق آن با مورد ترکیه وجود ندارد، اما صرفاً اشاره می‌شود که وجود کلیشه‌های منفی و رفتارهای تحقیرآمیز، بی‌شک باعث بروز و تقویت احساساتی چون خشم و کینه می‌شود، اما دلیلی کافی برای آغاز جنگ قومی نیست زیرا اگر نگوییم در سراسر جهان، دست‌کم در منطقه خاورمیانه، این قبیل کلیشه‌های منفی قومی به وفور یافت می‌شود و منجر به خیزش قومی مسلحانه هم نشده است. بالعکس در مناطق کردنشین ایران، عملاً کلیشه قومی منفی در حد صفر است، اما گروه‌های مسلح قومی متعددی ظهور کرده‌اند.

۳. **کودتای ۱۹۸۰ و اثر آن:** باید اذعان داشت که علاوه بر دلایل اقتصادی و اجتماعی، عنصر ایدئولوژی چپ و وقوع کودتا در سال ۱۹۸۰ نیز از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پکک بوده‌اند. سران کودتا، ناسیونالیسم کردی را در کنار اسلام رادیکال و چپ‌گرایی، به عنوان تهدیدات متوجه وحدت ترکیه محسوب داشتند (Yavuz, 2002: 10) و همه مظاهر آن را ممنوع کردند. لذا سخت‌گیری‌های فراوانی برای زبان و فرهنگ کردی پدید آمد که تا زمان انتقال قدرت به تورگوت اوزال در اواخر دهه ۱۹۸۰ تداوم یافتند. ناسیونالیسم کردی و تجزیه‌طلبی، که هدف اولیه پکک محسوب می‌شد، نگرانی از تجزیه ترکیه و تقویت و رشد ناسیونالیسم ترک را در پی داشت و این دو، یعنی ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم کرد، طی دهه‌های آتی یکدیگر را تغذیه و تقویت کرده‌اند. به هر حال، اوج‌آلان و هم‌فکرانش، با آن که در اواخر دهه ۱۹۷۰ پکک را تأسیس کرده بودند، فعالیت مسلحانه‌شان را از سال ۱۹۸۴ آغاز کردند.

ه) چارچوب‌بندی‌های مسئله کرد در ترکیه

ایدئولوژی جریان مسلح کردی، هیچ‌گاه یکدست نمانده است. اگرچه تحلیل‌گران، همه چرخش‌ها و تحولات را در نهایت در داخل تفکر چپ‌گرایانه قرار می‌دهند.

۱. **چارچوب‌بندی بر پایه استعمارگری:** پیش‌تر اشاره شد که بسیاری از نیروهای چپ‌گرایی که در دهه ۱۹۷۰ ضمن نقد کمالیسم بر مفهوم استعمار تکیه می‌کردند، بر ضرورت مبارزه با استعمارگران نیز تأکید می‌گذاشتند. در آن دوران، تشکل‌های کردی مانند انجمن فرهنگی انقلابی شرق (DDKO)، بر توسعه اقتصادی نامتوازن تأکید می‌کردند (اوج‌آلان نیز در جلسات آنها شرکت می‌کرد) و از ضرورت عدالت اجتماعی و توجه به هویت کردی سخن می‌گفتند. به عبارت دیگر کم‌کم «مسئله ملی (ناسیونالیسم کرد) با مارکسیسم ترکیب می‌شد؛ در اساسنامه رسمی پکک مارکسیسم-لنینیسم عنوان شده است (Grojean, 2014: 3). ارتباط پکک با جریان‌های چپ ترکیه، به انحای مختلف تا به امروز ادامه یافته است و یک نمونه از آن حضور و مشارکت حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه در صفوف پکک در سوریه و شمال عراق است (Kemal, 2023). با فروپاشی شوروی و کاهش جذابیت ایدئولوژی مارکسیستی، پکک و در رأس آن اوج‌آلان، به دنبال ابزارهای بسیج‌گرانه

جدیدی رفتند و از آن میان، توجه به مسئله زنان به‌ویژه اهمیت یافت. البته اوج‌آلان همواره از نظم کهن جامعه کرد نفرت داشت، نفرتی که ممکن است ریشه در کودکی او و فقر خانواده‌اش داشته باشد. به هر صورت، آزادی زنان به عنوان شرط جامعه آزاد از نظر وی، مطرح شد (Ocalan, 2015).

۲. چارچوب‌بندی مسئله کرد پس از دستگیری اوج‌آلان: تحول اصلی در چارچوب‌بندی مسئله کرد، پس از دستگیری اوج‌آلان اتفاق افتاد. وی در بازجویی‌ها و صحبت‌های دادگاه و سپس آثار منتشرشده‌اش منکر آن شد که به دنبال تأسیس دولت مستقل کردی بوده است. برای مثال در نوشته‌های زندان (Fadaee & Brancolini, 2019: 865) گفت که هدف پ‌ک‌ک، پروژه‌های جامعه و دموکراتیک‌سازی آن بوده است. لذا ایده‌ای را مطرح ساخت که تحت عنوان کنفدرالیسم دموکراتیک تدوین شده است (Ocalan, 2017: 30ff). ایده مزبور سه جزء دارد: دموکراسی مستقیم یا خودحکومتی^۱، آزادی زنان و تعاملات اکولوژیک صحیح با محیط زیست. مراد از دموکراسی مستقیم، سازماندهی بر پایه جوامع کوچک‌تر و از پایین به بالاست که شامل مجالس محلات، شهرها و روستاها می‌شود و جای مدیریت متمرکز و از بالا به پایین را می‌گیرد. در خصوص نگرش اکولوژیک، به نظر محققان، اوج‌آلان تحت تأثیر موری بوکچین^۲ است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ اندیشه‌های خود را مطرح ساخت. به عقیده وی، مشکلات زیست‌محیطی دارای ریشه‌های سیاسی و اجتماعی‌اند و اگر شبکه‌ای از شوراهای اداری و منتخب به صورت دموکراتیک، در محلات، شهرها و روستاها شکل بگیرند، اداره بهتر امکان‌پذیر می‌شود (Brancolini & Fadaee, 2019: 866). به زعم بوکچین، ایجاد هر دولتی مآلاً به سیستم نابرابری ختم می‌شود، زیرا که در آن سلسله‌مراتب و توزیع ناعادلانه اقتصاد و دسترسی فاشیستی به قدرت ایجاد می‌شود.

اوج‌آلان این ایده را تعمیق دموکراسی دانست و از این رو و به پیروی از عقاید وی، سازماندهی مجددی در تشکیلات پ‌ک‌ک و جامعه کرد ترکیه صورت گرفته است؛ کنگره جامعه دموکراتیک^۳، که یک تشکل غیرحکومتی و جامعه مدنی است، به صورت چتری برای انجمن‌ها، مجالس محلات و سازماندهی جامعه از پایین پدید آمده است که با کمیته اجرایی پنج نفره و کمیته‌های متنوع اقتصاد، زنان، اکولوژی، بهداشت، حقوق بشر و... مشغول فعالیت است. البته روابط آن با اعضای پ‌ک‌ک باعث شده است تا محدودیت‌های متعددی بر فعالیت‌های آن اعمال شود. اوج‌آلان به تفکیک دو مفهوم «ملت دموکراتیک» و «دولت-ملت» پرداخته و معتقد است که دولت-ملت در نهایت، موجب اعمال سلطه و زور می‌شود و باید به نفع ملت دموکراتیک سازمان‌یافته از پایین، کنار گذاشته شود (Ocalan, 2016: 121ff). در خصوص موضوع آزادی زنان و جوانان، اوج‌آلان ایده ژینولوژی را مطرح کرده که اینک در آموزش‌های پ‌ک‌ک در عراق و سوریه نیز تدریس می‌شود. به زعم وی این علم شناخت زن، یکی از بنیان‌های پارادایم و دوران جدید است. با آنکه پ‌ک‌ک قبل از دهه ۱۹۹۰ نیز از زنان در صفوف خود، به عنوان افراد مسلح، بمب‌گذار انتحاری و تظاهرکننده استفاده می‌کرد، اما در دوران جدید سازماندهی زنان و به‌کارگیری سیستماتیک آنان افزایش یافته است و برای مثال حزب دموکراسی خلق‌ها (مهم‌ترین حزب سیاسی کردی در ترکیه تا همین اواخر و قبل از تأسیس حزب چپ سبز^۴) همواره دارای دو رهبر مرد و زن است. امروزه حتی شعبه‌های پ‌ک‌ک در سوریه و ایران (پژاک) نیز خود را فمینیست و اکولوژیست می‌خوانند.

1. self-government

2. Murray Bookchin

3. Demokratik Toplum Kongresi (DTK)

4. Yeşil Sol Parti (YSP)

به این ترتیب، پکک به‌رغم تحولات مهمی که در ترکیه طی سه دهه اتفاق افتاده و گشایش‌هایی مهمی که در زمینه حقوق قومی کردها رقم خورده، توانسته است خود را چارچوب‌بندی مجدد^۱ کند و جبهه نیروهای خویش را وسعت بخشد. در خصوص گشایش‌های دولت ترکیه، برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در زمان تورگوت اوزال (۱۹۸۶) ممنوعیت زبانی و فرهنگی کردها لغو شد و سپس در جریان آغاز فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و دوران حکومت اول اردوغان، رادیو و تلویزیون کردی نیز آزاد اعلام شد و حتی تلویزیون ۲۴ ساعته کردی توسط دولت تأسیس شد. سپس در دوران موسوم به فرایند صلح (۲۰۱۲-۲۰۱۵) اصلاحاتی در تعداد حروف الفبای ترکی صورت گرفت تا اسامی کردی دارای حروف X, Q, W نیز بتوانند ثبت رسمی شوند. در مدارس نیز، کردی به عنوان درس انتخابی ارائه می‌شود. میزان نشریات کردی در ترکیه نیز قابل توجه بوده است. علاوه بر وجود مجلات و روزنامه‌های ۲۰ ساله و ۳۰ ساله، روند روبه‌رشد کتب کردی هم قابل ملاحظه است. برای مثال در سال ۲۰۱۸، ۲۲ ناشر کردی فعال بوده که ۲۳۲ کتاب منتشر کرده‌اند (Oğuz, 2018). به طور مداوم، پکک و سازمان‌های مرتبط و از جمله احزاب رسمی کردی، مطالبات خویش را افزایش داده‌اند. برای نمونه در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۳ بیانیه مشترکی به امضای نه حزب کردی، درخواست‌هایی چون به رسمیت‌شناختن کردها در قانون اساسی، رسمیت‌دادن به زبان کردی و تدریس آن از مهدکودک تا دانشگاه، ایجاد امکان خودمختاری و خودحکومتی در کردستان را مطرح ساخته‌اند (Kürt Özgürlük..., 2023). به این ترتیب مبارزه و مطالبات پایان‌یافته تلقی نشده است.

۳. چارچوب‌بندی هویتی علوی و زازا: یکی از نمونه‌های دیگر چارچوب‌بندی مجدد، پدیدارشدن هویت علوی و زازا است؛ پکک و جریان‌های ناسیونالیست کرد، به صورت سنتی، قوم زازا را که اغلب در استان تونجلی/درسیم و اطراف آن زندگی می‌کنند و به مذهب علوی تعلق دارند، کرد محسوب کرده‌اند. اعضای این گروه اقلیت قومی و مذهبی، حضور گسترده‌ای در جریان‌های چپ، مارکسیست و پکک داشته‌اند. با سقوط شوروی و کاهش جاذبه ایدئولوژی چپ، افراد این گروه همگام با خیزش موج ابراز هویت علوی در ترکیه، بر هویت علوی و زازای خویش تأکید کردند. پکک ابتدا این کار را توطئه دستگاه‌های اطلاعاتی ترکیه (میت) می‌دانست، ولی بعدها ضمن پذیرش آنها در «موزاییک کردستان»، زازاها را شعبه‌ای از کردها اعلام کرده و «ملت کرد» را مرکب از کرمانج‌ها و زازاها دانسته و نشریاتی هم برای جلب زازاها منتشر کرد (ر.ک به مقاله کلاسیک و درخشان مارتین فان بروینسن: Van Bruinessen, 1995).

۴. چارچوب‌بندی و انحصارگری: یکی از ابزارهایی که باعث حفظ انسجام پکک و جنبش کردی شده، حذف رقبا از صحنه و تقویت کیش شخصیت اوج‌آلان/آپو است^۲. گروژان با جزئیات قابل توجهی، چگونگی اقناع و آموزش درون پکک را توضیح داده است (Grojean, 2014)، اما علاوه بر آن، حذف فیزیکی مخالفین و منتقدین، هم در داخل ترکیه و هم در صفوف مسلحین در عراق و سوریه، مکرراً اتفاق افتاده است. اوج‌آلان در گفتگوهای خود با خبرنگاران هم این قبیل «مجازات‌ها» را تأیید کرده است (Yavuz, 2002: 12) و محققان نمونه‌های بسیاری از تصفیه‌های داخلی را ثبت کرده‌اند (Kiel, 2011). به زعم آنان، قتل مخالفان و منتقدین پکک یا افرادی که با دولت ترکیه همراهی کرده‌اند، رواج داشته و حتی نمونه‌هایی از این کشتارهای نسبتاً وسیع روستاییان کرد، در نشریات پکک نیز منتشر شده است (Serxwebun, 1987). نتیجه آنکه در مناطق کردنشین، عملاً جریان مهمی که بتواند حزب رقیب یا منتقد پکک باشد، ظاهر نشده است. این جو انحصارگری تا جایی است که حتی حامیان جریان پکک و احزاب سیاسی مرتبط با آن، کسانی را که با رادیو و تلویزیون کردی دولت ترکیه نیز همکاری می‌کنند، خائن می‌خوانند (Gürbüz, 2012). در مجموع پکک حول محور اوج‌آلان نه فقط توانسته با انعطاف، ایدئولوژی خود را تداوم بخشد

۱. reframe

۲. دقت کنید که اسم دیگر فلسفه پ.ک.ک، آپویسم است.

بلکه با وارد ساختن عناصر جدیدی، آن را برای طیف وسیعی از جامعه کرد و جریان‌های چپ ترکیه جذاب‌تر کند و با انحصارگری، رقبای بالقوه و بالفعل را از میدان خارج کرده و خود را تنها عنصر مشروع جامعه کُرد قلمداد کند. بنابراین با این تز که ناتوانی ترکیه در ارائه راه‌حل دموکراتیک برای مسئله کرد، موجب تداوم بحران کردی شده است (Bacik & Coskun, 2011)، کاملاً نمی‌توان موافق بود و بلکه می‌توان استدلال کرد که گشایش فضای دموکراتیک موجب ظهور و گسترش حضور هواداران جریان پ‌ک‌ک در عرصه سیاسی مشروع شده و لذا از ابزارهای دموکراتیک برای مقاصد این گروه استفاده شده است (Tezcür, 2010).

و) چرخه خشونت و تداوم نارضایتی‌ها

چرخه خشونت و مارپیچ تشدید قاعداً دو سر دارد:

۱. **کودتا و پیامدهای خشونت‌بار آن:** سران کودتا با تعقیب گروه‌های چپ، اسلام‌گرا و ناسیونالیست‌های کرد، هزاران تن را زندانی و شکنجه کردند و افراد بسیاری جان باختند. در این میان، زندان دیاربکر، که عمده بازداشتی‌های آن کرد بودند، به‌ویژه محل شکنجه‌ها و اعدام‌های مشهور بوده است (Amnesty International, 1985). حدس زده می‌شود این شکنجه‌ها، که البته فقط متوجه کردها نبود، در افزایش تمایل به شرکت در مبارزه مسلحانه مؤثر واقع شده است. طبعاً آغاز مبارزات مسلحانه، به مقابله نیروهای نظامی و امنیتی و تعقیب افراد مسلح انجامید. در بسیاری از این عملیات‌های تعقیبی، افراد بازداشت‌شده یا کشته‌شده، در واقع ارتباطی با پ‌ک‌ک نداشتند. از طرف دیگر، درگیری نظامیان و پ‌ک‌ک باعث می‌شد که بسیاری از روستاییان در وضعیت دشواری قرار گیرند. اگر جانب حکومت را می‌گرفتند، مورد حمله انتقام‌جویانه پ‌ک‌ک قرار می‌گرفتند و اگر جانب پ‌ک‌ک را می‌گرفتند، نمی‌توانستند با مجازات‌ها دولتی کنار بیایند. حکومت در مواردی چاره را در تخلیه تعداد زیادی از روستاها دانست؛ به‌ویژه آنهایی که مشهور به پناه‌دادن افراد مسلح پ‌ک‌ک شده بودند. تعداد این روستاها حدود چهار هزار مورد (Yavuz, 2002: 14) و افراد جابه‌جاشده بین ۳۵۰ هزار تا نیم‌میلیون نفر تخمین زده می‌شود (Tuğrul, 2022: 7; Yavuz, 2002: 14). مهاجرت افراد جابه‌جاشده به حاشیه‌های شهرهای بزرگ، مشکلات جدید و مهمی را پدید آورد زیرا بسیاری از مهاجرین در شهرهای بزرگ، به‌ویژه شهرهای غرب ترکیه، بیکار شده و به جرایم و کارهای خلاف قانون آلوده شدند (Yavuz 2002:14). برخی نیز برای فرار از مجازات و تعقیب یا در پاسخ به وضع موجود، راه پیوستن به پ‌ک‌ک را در پیش گرفتند و عده‌ای هم به همراه معترضین سیاسی به اروپا فرار کرده و سپس هسته‌های اپوزیسیون کردی در اروپا را تشکیل دادند.

۲. **پ‌ک‌ک و مارپیچ خشونت:** استراتژی‌های حملات پ‌ک‌ک را چندمرکزیتی^۱ و چندبُعدی^۲ توصیف کرده‌اند (Jongerden, 2010: 6). این سبک حملات، شامل پنهان‌شدن، حملات پراکنده، تسخیر مناطق دورافتاده، حملات غیرمستقیم و نظایر آنها می‌شد. خلاصه آنکه حملات و درگیری‌ها منجر به برقراری حالت فوق‌العاده^۳ به مدت ۲۰ سال (روی کار آمدن اردوغان در ۲۰۰۳) شد (Yavuz, 2002: 13; Jongerden, 2010: 8). در این شرایط، عمده مناطق کردنشین همانند منطقه نظامی اداره می‌شدند و بسیاری از قوانین عادی، جای خود را به قوانین نظامی داده بودند. همین امر موجب نارضایتی و شکایات جدیدی می‌شد. از طرف دیگر، درگیری با پ‌ک‌ک موجب قتل صدها معلم و کارمند دولت و... شد؛ امری که به نوبه خود ناسیونالیسم ترک و دغدغه از تجزیه کشور را در میان اقشار مهمی از جامعه زنده نگه می‌داشت.

1. poly-centricity

2. poly-dimensional

3. OHAL

استراتژی دیگر پکک مرتبط‌ساختن تقریباً تمام خانواده‌های کرد با این گروه بود؛ شعار «از هر خانواده کرد حداقل یک نفر در پکک»، موجب جذب داوطلبانه یا اجباری افراد می‌شد. این امر موجب افزایش بدبینی نسبت به کردها در سطح جامعه ترکیه شده است. به طوری که حتی کارگران فصلی کرد در سواحل دریای سیاه یا منطقه مدیترانه ترکیه، از طرف برخی ترک‌ها، اعضا یا حامیان پکک تلقی می‌شدند (Tuğrul, 2022: 8). در واقع یکی از شعارهای تجمعات طرفداران احزاب زنجیره‌ای کرد (که با تعطیلی یکی، دیگری جای آن را می‌گیرد)، مساوی بودن پکک با مردم است^۱.

در مجموع، حملات پکک و سرکوبی نیروهای نظامی و پلیس و عکس‌العمل‌های مختلف، موجب نارضایتی، خشم‌ها، قتل‌ها و به طور خلاصه کینه و نارضایتی‌ها جدیدتری شده است که ماریج خشونت و کینه را تشدید و تقویت کرده است.

ز) دستاوردها و امید به آینده

از دیدگاه سران پکک همه دستاوردها و تغییراتی که حکومت ترکیه در موضوع کرد داشته، حاصل فعالیت این گروه بوده و از آنجا که سازمان توانسته است علاوه بر ترکیه، در عراق، سوریه و به‌ویژه اروپا، تشکیلات مفصل و منسجمی ایجاد کند و با عضوگیری و سازماندهی کردها در اروپا، افکار عمومی کشورهای میزبان را به نفع خویش جهت بدهد و علاوه بر روابط ترکیه با عراق و سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه، روابط ترکیه با اتحادیه اروپا را نیز تحت تأثیر قرار دهد (Kiell 2010:47)، دستاوردهای این گروه بوده است. موفقیت قابل توجه پکک در ترویج ایدئولوژی خویش در میان نسل جوان کرد، برای سازمان، به معنای تداوم موفقیت‌آمیز مبارزه است. به‌ویژه اگر خودگردانی دوفاکتوی کردها در شمال شرق سوریه، تحت حمایت آمریکا را در نظر بگیریم که مقبولیت بین‌المللی قابل توجهی یافته و قهرمان مبارزه با داعش در رسانه‌های اروپایی و آمریکایی تلقی شده است، متوجه می‌شویم که از نظر پکک و احزاب مرتبط، افق برای کنفدرالیسم دموکراتیک (مرکب از همه مناطق کردنشین خاورمیانه) روشن‌تر شده است. به عنوان یک نمونه از کمپین‌های موفق پکک به فعالیت‌های آن در جریان مبارزه بین‌المللی با داعش اشاره کرد؛ در آن مقطع، گروه‌های کرد، منبع اخباری علیه اردوغان بودند و او و خانواده‌اش را حامی یا تأمین‌کننده سلاح داعش معرفی می‌کردند. این ادعاها حتی مبنای بسیاری از درخواست‌ها برای خارج کردن پکک از لیست سازمان‌های تروریستی هم شده است (Hoffman, 2023). به احتمال زیاد یکی از دلایل به نتیجه‌نرسیدن فرایند صلح نیز همین امر بوده است؛ زیرا پکک تصور می‌کرد که در شرایط مثبت پدیدآمده، می‌تواند امتیازات بسیار بیشتری مطالبه کند.

ح) حامیان بین‌المللی قدیم و جدید

اعضای پکک، قبل از شروع مبارزه مسلحانه نیز به شمال عراق رفت‌وآمد داشتند و با گروه‌های مسلح کرد عراقی نیز روابط متنوعی برقرار کرده بودند. پس از شروع دوران حملات مسلحانه، مقر اصلی پکک سوریه و اقامتگاه عبدالله اوج‌آلان در دمشق بود. پکک در دره بقاع لبنان و روستای حلوه، مقر آموزشی موسوم به آکادمی معصوم کورکماز^۲ را در اکتبر ۱۹۸۵ تأسیس کرد (Casier & Jongerden, 2010: 37) که محلی برای آموزش ایدئولوژیک و نظامی سازمان بود. در این مقر، شخص اوج‌آلان هم تدریس می‌کرد و «آکادمی» تا سال ۱۹۹۲ فعال بود. سپس

^۱ برای نمونه در تجمع نوروز سال ۲۰۲۳ در استانبول، هواداران ه.د.پ شعار معروف "پ.ک.ک مردم است، مردم همین‌جاست!" (PKK halktir, halk buradadir) سر داده شد (Yeni Safak, 21 march 2023).

^۲ Mahsum Korkmaz Academy

تحت فشار ترکیه، دولت لبنان، آن محل را تعطیل کرد. بعدها ادعا شد که مقر مزبور به یونان، قبرس [یونانی‌نشین] یا ایران منتقل شده است (Erzeren, 1992). در اواخر دهه ۱۹۹۰ و در زمانی که سوریه، حمایت شوروی را پشت سر نداشت و از طرف اسرائیل تحت فشار بود، دولت ترکیه با تهدید دمشق، حافظ اسد را وادار به اخراج اوج‌آلان از سوریه کرد، اقدامی که در نهایت به بازداشت وی در کنیا ختم شد. بر اساس گزارش‌ها، احتمالاً اتحاد شوروی از طریق بلغارستان و سوریه به گروه کمک می‌کرد و ادعاهایی راجع به حمایت لیبی دوره قذافی از پک‌ک هم وجود دارد (MFA, 2004). اوج‌آلان در جریان محاکمات خود، به دریافت کمک از یونانی‌ها اشاره کرده است. ادعاهایی مبنی بر استفاده از کمپ پناهندگان لوریون^۱ در یونان، برای آموزش سلاح و بمب به فراریان پک‌ک، وجود دارد (Antonopoulos, 2021). به هر حال، مقر اصلی پک‌ک در حال حاضر در شمال عراق و سوریه است و به‌رغم عملیات‌های ارتش ترکیه در این نواحی، مقرهای اصلی در کوهستان قندیل دور از دسترس است.

پک‌ک با از دست‌دادن حامیان مهم خود یعنی شوروی و سوریه، به شیوه‌های جدید تأمین مالی روی آورده که قاچاق انسان و مواد مخدر از آن جمله است. پرداختن به این مسئله، مجال وسیعی می‌طلبد. صرفاً اشاره می‌شود که بر اساس گزارش مرکز اروپایی مطالعات مواد مخدر و اعتیاد، پک‌ک علاوه بر دریافت «مالیات» از قاچاقچیان مواد مخدر و به‌خصوص هروئین و مشارکت در قاچاق، در اخاذی، قاچاق انسان و خرده‌فروشی مواد در اروپا نیز فعال بوده است (Basra, 2019: 46; Turhal, 2015) و از این راه، در کنار شیوه‌های درآمدی همچون سازمان‌های پوششی خیریه، نیازهای مالی خویش را برطرف می‌کند.

ط) ثبات ژئوپلیتیک و آثار آن

بی‌شک مسائل جغرافیایی و ژئوپلیتیک در تداوم حیات پک‌ک تأثیر مهمی داشته است. شمال عراق با مناطق صعب‌العبور و کوهستانی، که حکومت مرکزی و در دهه‌های اخیر حکومت اقلیم نیز، تسلط کافی بر آن ندارند، مأمّن خوبی برای گروه‌های مسلح است. با اینکه نیروهای مسلح ترکیه، بارها به شمال عراق لشکر کشیده‌اند، هیچ‌گاه موفق به ریشه‌کنی گروه نشده‌اند. اینک مقر فرماندهی پک‌ک، در کوهستان قندیل در زیر کوه و در داخل تونل‌های عمیق و وسیع قرار دارد و لذا در مقابل حملات هوایی ایمن است. کمپ‌های متعدد گروه در شمال عراق، محل آموزش و پناهگاه نیروهای تازه‌وارد از ترکیه، سوریه و ایران است. قدمت برخی از کمپ‌ها به ۴۰ سال می‌رسد. از طرف دیگر مرزهای نفوذپذیر سوریه، به‌ویژه پس از بهار عربی و ظهور داعش، همسایگی ترکیه با ارمنستان و یونان نیز موجب می‌شود که افراد منسوب به پک‌ک با سهولت نسبی از مسیرهای قاچاق وارد خاک این کشورها شوند. وضع مزبور، انتقال سلاح به خاک داخل ترکیه را از طریق تونل‌ها و گذرگاه‌های دورافتاده تسهیل می‌کند. تأسیس پاسگاه‌های مرزی در این نقاط نیز، بیش از آن که فعالیت پک‌ک را کم کند، هدف‌هایی نسبتاً سهل و آسان برای حملات گروه مذکور پدید می‌آورد.

پیش‌تر هم اشاره شد که احتمالاً یکی از دلایل شکست فرایند صلح (۲۰۱۲-۲۰۱۵) وضع ژئوپلیتیک ترکیه بوده است؛ از یک طرف، شعبه‌های پک‌ک در شمال سوریه، تحت عناوین متفاوت، توانستند مناطق وسیعی را تصرف کنند و با کمک ائتلاف غربی وارد مبارزه با داعشی شوند که وحشت بین‌المللی را برانگیخته بود و از طرف دیگر در افکار عمومی منطقه و غرب، بی‌عملی ترکیه در کمک به نیروهای کرد در کوبانی/عین‌العرب معادل حمایت اردوغان و ترکیه از داعش قلمداد شد. نتیجه آنکه در افکار عمومی غربی و منطقه‌ای، تصویری منفی از اردوغان و ترکیه و تصویری مثبت از مبارزان گُرد پدیدار شد. در عین حال، در جریان فرایند صلح، پک‌ک و هوادارانش از فرصت استفاده کرده و به

^۱. Lavrion

جمع‌آوری و آموزش نیروها و انباشتن سلاح‌های واردشده از شمال عراق و سوریه (عمدتاً سلاح‌های اهدایی ائتلاف غربی) در مناطق کردنشین پرداختند. ظاهراً هدف هواداران پک‌ک آن بود که نوعی خودمختاری اعلام شود و در آن جو مثبت بین‌المللی، کشورهای غربی، خودگردانی جدید تأسیس پک‌ک را به رسمیت بشناسند و به این ترتیب مبنای حقوقی مناسبی برای تأسیس حکومتی دوفاکتو، همانند شمال عراق و سوریه فراهم شود، اما این محاسبه اشتباه از آب درآمد و البته هزینه انسانی و سیاسی مهمی هم بر ترکیه و هم کردها تحمیل کرد (Yildiz, 2020).

جبر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ترکیه را در قیاس با مورد سریلانکا و گروه مسلح ببرهای تامیل (ایللم)، بهتر می‌توان درک کرد. دولت سریلانکا پس از سال‌ها مذاکره بی‌نتیجه، در سال ۲۰۰۹ در اقدامی پرهزینه، تصمیم به ریشه‌کنی گروه مزبور گرفت و سراسر خاک کشور و جنگل‌ها را از وجود آنان پاکسازی کرد (BBC, 2009). به دلیل جزیره‌بودن این کشور، گروه ببرهای تامیل پناهگاه و مقرهای جدیدی در آن سوی مرزها نداشت تا به سازماندهی مجدد اقدام کند، لذا مبارزه مسلحانه گروه مزبور تقریباً به پایان رسید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از بررسی مهم‌ترین نظریه‌ها در خصوص آغاز منازعات قومی و دیدگاه پیتر کلنن درباره تطویل منازعات استدلال شد که وجود زمینه‌های داخلی به‌ویژه در رفتار تبعیض‌آمیز و محرومیت گروه‌های قومی و فروپاشی حکومت، می‌تواند منجر به نارضایتی و احساس ناامنی (به‌ویژه در مواقع وجود خشونت عریان) شود؛ نخبگان قومی با استفاده از این بستر با چارچوب‌بندی اوضاع نابسامان، زمینه بسیج را فراهم می‌کنند و بسیج مزبور در صورت دریافت نکردن پاسخ مناسب یا مواجه شدن با سرکوبی، به‌ویژه در شرایط مساعد ژئوپلیتیک، به سمت منازعه قومی حرکت می‌کند. در صورتی که منازعه مذکور حول موضوعات لاینحل باشد و یا موضوعات جدیدتری به آنها الحاق شود، با تشدید چرخه خشونت، خشم و کینه و تداوم حمایت بین‌المللی، منازعه می‌تواند تطویل یافته و منازعه‌ای لاینحل به نظر برسد. در ادامه مقاله، این مدل ساده با مورد پک‌ک و منازعه کردی در ترکیه سنجیده شد. به نظر می‌رسد که پک‌ک، بر اساس ایده‌های چپ ترکیه در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شکل گرفته و علاوه بر عقب‌ماندگی مناطق کردنشین، بر ضرورت تأمین حقوق قومی و ملی کردها تأکید داشته است؛ درگیری مسلحانه در جنوب شرق ترکیه با نظامیان موجب خونریزی و خشم شده و به تخلیه چند هزار روستا و انتقال اهالی آنها به شهرهای بزرگ، برقراری حالت فوق‌العاده در منطقه و تشدید مارپیچ خشونت منجر شده است. به‌رغم پاسخگویی به بیشتر مطالبات و رفع محدودیت‌های دوران کودتا و رفع حالت فوق‌العاده، اوج‌آلان، پک‌ک و احزاب سیاسی مرتبط با آنها، مطالبات جدیدتری را مطرح ساخته و چارچوب‌بندی جدیدی از ضرورت مبارزه، چه مسلحانه و چه سیاسی، عرضه کرده‌اند. از سوی دیگر تداوم حمایت‌های بین‌المللی و موفقیت گروه در سازماندهی جوامع کرد در اروپا و کشورهای همجوار و کسب درآمد از این طریق و همین‌طور تأمین مالی از طریق جرایم سازمان یافته (قاچاق مواد مخدر، انسان و اخاذی) به بقای پشتوانه آن یاری رسانده است. موقعیت ژئوپلیتیک مناطق کردنشین، قاعدتاً تا حدود زیادی ثابت بوده و اجازه تعقیب و امحای گروه‌های مسلح و کمپ‌های آنها را نمی‌دهد. ناتوانی یا عدم تمایل بعضی همسایگان در کنترل دقیق در مرزها و همچنین تحولات در آن سوی مرزهای مشترک، به‌ویژه فروپاشی عملی حکومت‌های عراق و سوریه، باعث تطویل منازعه شده است. پک‌ک با انحصارگری خویش و طرد و حذف منتقدین و ترویج کیش شخصیت اوج‌آلان تلاش کرده است تا خود را تنها نماینده جامعه کرد ترکیه نشان داده و هر کرد هوادار پک‌ک نشان دهد و بدین ترتیب بقای منازعه قومی مزبور را تضمین کند.

- Antonopoulos, Paul (2021), Turkish media: Lavrio refugee camp near Athens has turned into a PKK base <https://greekcitytimes.com/2021/12/28/lavrio-refugee-camp-pkk-base>
- Bacik, Gokhan and Bezen Balamir Coskun (2011), The PKK Problem: Explaining Turkey's Failure to Develop a Political Solution, *Studies in Conflict & Terrorism*, 34:3, 248-265, DOI: [10.1080/1057610X.2011.545938](https://doi.org/10.1080/1057610X.2011.545938)
- Basra, Rajan (2019), Drugs and Terrorism: The Overlaps in Europe, London, online: <https://icsr.info/wp-content/uploads/2019/11/ICSR-Report-Drugs-and-Terrorism-The-Overlaps-in-Europe.pdf>
- BBC (16 May 2009), Sri Lanka army 'defeats rebels', online: <https://www.bbc.com/news/av/world-south-asia-20317717>
- Bozarslan, H. (2012), Between integration, autonomization and radicalization: Hamit Bozarslan on the Kurdish movement and the Turkish left. Interview by Marlies Casier and Olivier Grojean, *European Journal of Turkish Studies: Social Sciences on Contemporary Turkey*, no. 14, 2–16.
- Brubaker, Rogers and David D. Laitin (1998), "Ethnic and Nationalist Violence", *Annual Review of Sociology*, 24:423–52.
- Casier, Marlies and Joost Jongerden (2010), *Nationalisms and Politics in Turkey: Political Islam, Kemalism and the Kurdish Issue*, Routledge, 2010.
- Casier, Marlies and Joost Jongerden (2012), Understanding today's Kurdish movement: Leftist heritage, martyrdom, democracy and gender», *European Journal of Turkish Studies [Online]*, 14 |, <http://journals.openedition.org/ejts/4656>
- Coleman, Peter T., Robin R Vallacher, Andrzej Nowak & Lan Bui-Wrzosinska (2007), Intractable conflict as an attractor: Presenting a model of conflict, escalation, and intractability, *American Behavioral Scientist*, 50, 1454–1475
- Coleman, Peter T., Katharina G.Kugler, Lan Bui-Wrzosinska, Andrzej Nowak & Robin Vallacher (2012), Getting down to basics: A situated model of conflict in social relations. *Negotiation Journal*, 28(1),7–43.
- Coleman, Peter T. (2003), Characteristics of Protracted, Intractable Conflict: Toward the Development of a Metaframework-I, Peace and Conflict, *Journal of Peace Psychology*, 9:1, 1-37, DOI: [10.1207/S15327949PAC0901_01](https://doi.org/10.1207/S15327949PAC0901_01)
- Erzeren, Ömer (1992-05-09), "PKK verläßt ihr Camp im Libanon", *Taz - Die Tageszeitung*, online: <https://taz.de/!1670884/>
- Fadaee, Simin and Camilla Brancolini (2019), From national liberation to radical democracy: Exploring the shift in the Kurdish liberation movement in Turkey, *Ethnicities*, 19 (5), 858–875.
- Grojean, Olivier (2014), The Production of the New Man Within the PKK, *European Journal of Turkish Studies*, <http://journals.openedition.org/ejts/4925> ; DOI: <https://doi.org/10.4000/ejts.4925>
- Gürbüz, Mustafa E. (2012), «'Sold Out to the Enemy': Emerging Symbolic Boundaries in Kurdish Politics and the Strategic Uses of Labeling Treason», *European Journal of Turkish Studies [Online]*, 14 |, Online: <http://journals.openedition.org/ejts/4629>
- Hoffman, Sasha (2023), Delist PKK, reward Syria's Kurds – US political analyst, <https://npasyria.com/en/91978/>
- Jongerden, Joost (2010), Village Evacuation and Reconstruction in Kurdistan (1993-2002), *Études rurales*, 186 | 2010, <http://journals.openedition.org/etudesrurales/9241> ; DOI: <https://doi.org/10.4000/etudesrurales.924>
- Jongerden, Joost and Ahmet Hamdi Akkaya (2012), The Kurdistan Workers Party and a New Left in Turkey: Analysis of the revolutionary movement in Turkey through the PKK's memorial text on Haki Karer, *European Journal of Turkish Studies [Online]*, 14 | 2012, <http://journals.openedition.org/ejts/4613>
- Kaufman, Stuart J. (2001), *Modern Hatred: The Symbolic Politics of Ethnic War*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Kaypakkaya, Ibrahim (2021), the National Question, online: <https://foreignlanguages.press/wp-content/uploads/2021/11/S17-Kaypakkaya-National-Question-4th-Printing.pdf>
- Kiel, Stephanie L.,(2011), *Understanding the power of insurgent leadership a case study of Abdullah Öcalan and the PKK*, Thesis submitted to the Faculty of the Graduate School of Arts and Sciences of Georgetown University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Security Studies, Washington, DC April 6, 2011. online: <https://repository.library.georgetown.edu/bitstream/handle/10822/553528/kielStephanieLynne.pdf;sequence=1>
- Kürt Özgürlük ve Demokrasi İttifakı kuruluşunu ve seçim deklarasyonunu ilan etti, *Evrensel* (03 Apr. 2023), <https://www.evrensel.net/haber/486504/kurt-ozgurluk-ve-demokrasi-ittifaki-kurulusunu-ve-secim-deklarasyonunu-ilan-etti>
- MFA (2004), The Workers' Party of Kurdistan (PKK), <https://irp.fas.org/world/para/docs/studies3.htm>
- Oğuz, Cemil (02 Jan. 2019), Kürtçe kitap yayıncılığının 2018 panoraması, *Evrensel*. online: <https://www.evrensel.net/haber/369941/kurtce-kitap-yayinciliginin-2018-panoramasi>
- Öcalan, Abdullah (2015), *Liberating Life: Woman's Revolution*, Neuss: International Initiative Edition.
- Öcalan, Abdullah (2017), *The Political Thought of Abdullah Öcalan: Kurdistan, Woman's Revolution and Democratic Confederalism*, London: Pluto Press
- Serxwebun (Haziran 1987), Türk Sömürgeciliğine Pınarcık'ta vurulan darbe ve ortaya çıkardığı gerçekler, in: https://archive.org/details/serxwebun_66/page/n1/mode/2up
- Tang, Shiping (2015), The Onset of Ethnic War: A General Theory. *Sociological Theory*, 33(3), 256–279. <https://doi.org/10.1177/0735275115599558>
- Tezcür, Güneş Murat (2010), When democratization radicalizes: The Kurdish nationalist movement in Turkey. *Journal of Peace Research*, 47(6), 775–789. <https://doi.org/10.1177/0022343310386156>
- Tuğrul, Barış (2022), Rethinking internal colonialism: Radicalization of the Kurdish movement in Turkey. *International Journal of Conflict and Violence*, 16, 1-13
- Van Bruinessen, Martin (1995), "Aslini İnkâr Eden Haramzadedir!" the Debate on the Ethnic Identity of the Kurdish Alevis, , in: *Syncretistic Religious Communities in the Near East Collected Papers of the International Symposium "Alevism in Turkey and Comparable Syncretistic Religious Communities in the Near East in the Past and Present"*, Berlin, 14-17 April 1995, pp. 1–23
- Yavuz, M. Hakan (2001), Five stages of the construction of Kurdish nationalism in Turkey, *Nationalism and Ethnic Politics*, 7:3, 1-24.
- Yeni Safak (21 march 2023), HDP'nin düzenlediği nevrüz etkinliğinde PKK lehine sloganlar atıldı, <https://www.yenisafak.com/gundem/hdpnin-duzenledigi-nevruz-etkinliginde-pkk-lehine-sloganlar-atildi-pkk-halktir-halk-burada-4517096>
- Yıldız, Guney (2020), The Kurdish Movement's Disparate Goals and the Collapse of the Peace Process with Turkey, <https://merip.org/2020/08/the-kurdish-movements-disparate-goals-and-the-collapse-of-the-peace-process-with-turkey/>
- International Affairs Vol. 24, No. 3, pp. 350-363.